

The role of Quranic teachings in strengthening the foundation of the family

 Farzaneh Sadat Nikobarsh

Abstract

The family is the basic pillar of human society and the condition for its dynamism and stability is the existence of correct and stable relationships between family members. But unfortunately, today, due to the increasing divorce rate and the breakdown of family ties, the abandonment of children of these families in society and the consequent destructive effect that this has on society, dealing with a healthy and balanced family from the perspective of Islam and obtaining solutions that the Qur'an Karim has stated that it is necessary to strengthen the foundations of the family. Islam in the Holy Qur'an in relation to the family, the duties of each man and woman and children in accordance with their existential nature and physical and mental conditions and has specified the role of each. If each member of the family is familiar with the moral issues and advice and the performance of duties and responsibilities desired by Islam and apply them in life, it can be a guarantee for the strength and stability of the family at the community level. Due to the educative nature of women and the interest in learning Islamic teachings and precepts, by gaining awareness, women can play a great role in transmitting the concepts of religion and Islamic teachings in the field of family issues. If women become acquainted with the rich Islamic content and mention practical examples in culture-building and religious and moral foundations of the family and religious, educational and moral instructions and apply them in life, the construction of an Islamic society will be formed in the context of the family. In fact, by changing their behaviors and ensuring the security and peace of the family and society, women will be inspired by religious teachings, and by recognizing the superiority of the transcendent Islamic model and following them, they can establish security and peace in strengthening the religious beliefs and behaviors of families. In terms of purpose, this research is an applied research that the research method is content analysis and the materials have been collected in a library that has been categorized and presented in topics appropriate to the subject and is hoped to be used by the community.

Keywords: Family, Islam, Quran, Ethics, Consolidation and sustainability

نقش آموزه‌های قرآنی در تحکیم بنیان خانواده

✍ فرزانه سادات نیکوبرش^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

چکیده

خانواده رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط پویایی و استواری آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان افراد خانواده است. اما متأسفانه امروزه با توجه به بالا رفتن روز افزون آمار طلاق و گسسته شدن پیوند خانواده‌ها و رها شدن کودکان این خانواده‌ها در اجتماع و در پی آن تاثیر بسیار مخربی که این امر در جامعه دارد، پرداختن به خانواده سالم و متعادل از دیدگاه اسلام و به‌دست آوردن راهکارهایی که قرآن کریم برای تحکیم بنیان‌های خانواده بیان کرده، ضرورت دارد.

اسلام در قرآن کریم در رابطه با خانواده، وظایف هر یک از زن و مرد و فرزندان را متناسب با فطرت وجودی و شرایط جسمی و روحی آنها مشخص کرده و نقش هر کدام را بیان کرده است. که اگر هر یک از اعضاء خانواده با مسائل و توصیه‌های اخلاقی و انجام وظایف و تکالیف مورد نظر اسلام آشنا باشند و آن‌ها را در زندگی به کار گیرند، می‌تواند تضمینی برای استحکام و پایداری خانواده در سطح جامعه باشد.

با توجه به روحیه تعلیم پذیری زنان و علاقه به فراگیری آموزه‌ها و دستورات اسلامی، باکسب آگاهی، بانوان نقش زیادی در انتقال مفاهیم دین و آموزه‌های اسلامی در زمینه مسائل خانواده می‌توانند داشته باشند. اگر بانوان از محتوی غنی اسلامی و ذکر مصادیق عملی در فرهنگ‌سازی و مبانی دینی و اخلاقی خانواده و دستورات دینی و تربیتی و اخلاقی آشنا شده و در زندگی به‌کار گیرند، ساخت جامعه اسلامی در بستر خانواده شکل خواهد گرفت.

در حقیقت بانوان با تغییر رفتارهای خود و سلامت و تامین امنیت و آرامش خانواده و اجتماع در راستای آموزه‌های دینی نقش آفرینی خواهند داشت و با شناخت برتری‌های الگوی متعالی

۱. فرزانه سادات نیکوبرش راد ۰۹۱۲۲۵۸۸۲۳۸ rad_far42@yahoo.com

اسلامی و پیروی از آن‌ها می‌توانند امنیت و آرامش را در تحکیم باورها و رفتارهای دینی خانواده‌ها نهادینه کنند.

این پژوهش از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است که روش تحقیق به صورت تحلیل محتوایی است و مطالب به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است که در سرفصل‌هایی متناسب با موضوع دسته‌بندی و ارائه شده است و امید است مورد استفاده جامعه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خانواده، اسلام، قرآن، اخلاق، تحکیم و پایداری.

ازدواج و تشکیل خانواده نیاز و ضرورت است و فرصت بسیار مغتنمی است که در سایه آن افراد بشر به رشد و پویایی و کمال حقیقی دست یابند. داشتن کانون گرم خانوادگی در روابط مستحکم و صمیمی میان افراد آن، آرامش و سلامت روانی نسل‌های آینده را رقم می‌زند.

زندگی مشترک بدون وجود ارزش‌ها و اهداف متعالی قابل استمرار نیست. بر این اساس همسران جوان بایستی اساس تشکیل خانواده را رسیدن به چنین اهدافی قرار دهند که در این قسمت به مفهوم خانواده و خانواده متعادل و نقش آموزه‌های قرآنی در تحکیم خانواده اشاره می‌شود.

تعریف خانواده

خانواده «در لغت فارسی به معنی خاندان، اهل بیت، دودمان و تبار می‌باشد». (معین، ۱۳۸۶، ۱، ۹۶) و «در لغت عرب ابتدا «الأسر» را معنا نموده‌اند که «الأسر به معنای در بند شدن، شدت هر سختی آمده است.» (خلیل جر، ۱۳۷۶، ۱۰۲)

در مفردات راغب آمده است «أُسرة الرجل: مَنْ يَتَّقُوهُ بِهِ، قَالَ تَعَالَى وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ، إشارة إلى حِكْمَتِهِ تَعَالَى فِي تَرَاكِبِ الْإِنْسَانِ الْمَأْمُورِ بِتَأْمُلِهَا وَتَدَبُّرِهَا؛ یعنی خانواده مرد به کسانی گویند که مرد با آنها نیرومند می‌شود.» (محمد بن فضل (راغب اصفهانی)، ۱۳۷۵، ۱۳۱)

خانواده در لغت به معنای «خاندان، اهل خانه، زن و فرزند، فامیل می‌باشد». (بلوچ، ۱۳۷۹، ۵۶) و در اصطلاح «واحد اجتماعی که شامل پدر و مادر و فرزندان آنها است، گاه به معنی وسیع‌تر بستگان دور و نزدیک نیز جز خانواده به شمار می‌روند. «متعادل به معنای هم وزن، برابر، هم سنگ می‌باشد». (همان، ۱۴۳) و هنگامی که خانواده از جهت اخلاقی، اجتماعی و کارکردها و وظایف آن از هماهنگی لازم برخوردار گردد آن خانواده متعادل می‌باشد.

هدف و ارکان خانواده

خانواده با پیمان ازدواج و پیوند همسری زن و مرد پایه‌گذاری می‌شود که برای مدت طولانی و نامشخص با هم زندگی کنند و این ازدواج ستون اصلی حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده را تشکیل می‌دهند. در سایه زندگی مشترک زن و شوهر، فرزندان به دنیا می‌آیند (شکوه نوایی‌نژاد، ۱۳۸۴، ۳۱)، بزرگ می‌شوند و آداب اجتماعی می‌آموزند و روح و جان و فکر کودکان هم در همین کانون شکل می‌گیرد.

عبودیت و رسیدن به کمال هدف اصلی از تشکیل خانواده است. (سخایی، ۱۳۸۶، ۲۵۱) در حقیقت هدف از ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام پدیدآمدن یک کانون آسایش و آرامش، محفل خوشبختی و نشاط طبیعی، ارضای غریزه جنسی، لذت بردن از زندگی و بهره‌مندی از محبت و تعاون و مددکاری و سرانجام امتزاج دو روح برای رسیدن به هدف متعالی است. برخی از اهداف و انگیزه‌هایی که خانواده متعادل در اسلام (سوره روم، آیه ۲۱) و اگر زوجین مایه آرامش هم باشند، خداوند مودت و رحمت و عشق واقعی را برایشان قرار خواهد داد. براساس آن شکل می‌گیرد عبارت از: ایجاد کانون آسایش و آرامش برای زن و مرد، تامین نیازهای جنسی، دوستی، محبت و عشق (معین‌الاسلام، ۱۳۸۱، ۶۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق. ۱۶، ۴۰۸) خود کفایی و استقلال، سلامت و امنیت اجتماعی، تکمیل و تکامل انسانی است.

وظایف و کارکردهای خانواده

کارکردهای مهم خانواده (شهلا اعزازی، ۱۳۸۹، ۳۰) را جامعه‌شناسان تنظیم رفتار جنسی، تولیدمثل، جامعه‌پذیری (کنترل و نظارت)، تامین پایگاه اجتماعی - عاطفی و همراهی (حسین بستان‌نجفی)، ۱۳۸۳، ۲۳۱؛ طاهره کشوادی، ۱۳۸۶، ۲۷) در امور اجتماعی می‌دانند. در این میان نقش خانواده در پرورش معنوی - دینی را نیز باید افزود.

قرآن خانواده را نظامی جامع در مسیر کمال می‌بیند و بالقوه آن را یک مجموعه متعالی برای تامین اهدافی مقدس می‌انگارد که برای به فضیلت رساندن آن برنامه‌ریزی می‌کند و

جایگاه و نقش افراد را با این ویژگی تعیین می‌نماید (رک: محمدی ری شهری، ۱۳۸۷) که متأسفانه در جوامع امروزی کارکرد معنوی - دینی خانواده آگاهانه یا نا آگاهانه کاهش یافته است و تمایل به ارزش‌های دینی و معارف اسلامی و اخلاقی جای خود را به رقابت و تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی و دنیاگرایی داده است.

خانواده یک واحد اجتماعی، با نقش‌ها و وظایف و کارکردهای متعدد است. این واحد چون هر واحد اجتماعی (صدری، ۱۳۸۳، ۱۴۳) دیگر نیازمند به استحکام و محافظت است تا بتواند فعالیت‌های خود را سامان داده و برای جلوگیری از هرج و مرج و از هم پاشیدگی، تعادل خود را حفظ کند (رک: حسین انصاریان، ۱۳۸۰، ۲۰-۵۰).

خانواده متعادل

یک خانواده متعادل حتی‌المقدور از لحاظ فیزیکی دارای پایداری است. وجود و بقای افراد در خانواده ثابت و عدم جابجایی مکرر و مستمر از لوازم حفظ تعادل در یک خانواده است. (حسین مظاهری، ۱۳۷۰، ۴۳) اما به لحاظ عوامل پویایی، خانواده در ارتباط مستمر با محیط به خصوص محیط اجتماعی می‌باشد.

به همین خاطر خانواده باید فرهنگ محیط را بشناسد، عناصر سازنده آن را جذب و جزیی از خود کند و خود نیز سهمی در تغییر فرهنگ و روابط اجتماعی داشته باشد. یک خانواده متعادل باید از رشد کیفی و کمی مناسبی برخوردار باشد. خانواده وقتی در یک سطح باقی می‌ماند و به رشد متناسب با نیاز جامعه نمی‌اندیشد، در معرض تهدید و بر هم خوردن تعادل قرار می‌گیرد. (حمد صافی، ۱۳۷۴، ۲۸)

بنابراین برای حفظ خانواده از فروپاشی و تحکیم روابط خانواده، رعایت عواملی مورد نیاز می‌باشد که در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌شود.

وجود اخلاق در خانواده

رابطه اخلاق و خانواده متعادل، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است. زیرا جز در محیط امن و سازنده خانواده، انسان هرگز قادر به کسب آگاهی، تلاش برای رسیدن به کمال و رفع نواقص از نفس و رفتار خود نمی‌باشد. انسانی که جوای کمال و گریزان از ضعف و نفس است، طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعضای آن می‌باشد. به طور کلی، استواری و محکم بودن خانواده، حاصل پایبندی‌های اخلاقی (حسین انصاریان، همان، ۳۸؛ محمد رضا شرفی، همان، ۵۴) اعضای آن و پرهیز از کج خلقی و فساد است.

در قرآن کریم در ماجرای موسی (ع) با دختران شعیب می‌فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ: یکی از آن دو (دختر) گفت: پدرم! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی، آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)» (القصص، ۲۵) از این آیه استفاده می‌شود که شخصیت اخلاقی و رفتاری دختران شعیب و رفتار اخلاقی موسی (ع) در ازدواج آنان مؤثر بوده است

اسلام با آموزه‌های خویش محیط خانواده را چنان می‌سازد که خانواده به دور از فساد، فسق و تباهی، تبعیض، نابرابری و بی‌عدالتی به حیات اجتماعی سالم خویش ادامه می‌دهد (عزت‌السادات میر خانی، ۱۳۸۰، ۱۵۹؛ مرتضی مطهری، ۱۳۶۹، ص ۴۲)، در این کانون خانوادگی افرادی به جامعه تحویل داده می‌شوند (محمد رضا شرفی، همان، ۲۴) که از برکت وجودشان جامعه به ارزش‌های والای انسانی رهنمون می‌گردد و عکس این وضعیت نیز می‌تواند صادق باشد.

عدم پایبندی و تعهد به اصول اخلاقی و معنویات نتایج اسفبار و وحشت انگیزی چون پوچ‌گرایی، بی‌تفاوتی، وسواس، اختلالات عصبی، ارتکاب جرایم جنسی، فسادهای اجتماعی و روانی و خشونت را به دنبال خواهد داشت و در مراحل بحرانی به خود کشی منجر می‌گردد. (مرتضی مطهری، ۱۳۷۲، ۱۵؛ شکوه نوابی نژاد، ۱۳۸۴، ۱۸) از این روی برای داشتن

خانواده‌ای سالم در چهارچوب اصول و ارزش‌های اخلاقی - اسلامی می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

۱. **حیا و عفت در خانواده:** از ضرورت‌های اخلاقی که برای تداوم و ثبات حیات خانوادگی قابل ذکر است، عفاف و عفیف بودن اعضای خانواده است. عفاف در زبان قرآن و روایات، پدید آمدن حالتی در نفس آدمی است که او را از غلبه شهوات باز می‌دارد. ریشه عفت، حیا و شرم می‌باشد و حیا به معنای اجتناب از آنچه عقل و عرف نیز آن را زشت و ناپسند می‌دانند، می‌باشد. زن و مرد قبل از ازدواج حیای خاصی در روابطشان وجود دارد، حفظ حیا بعد از عقد، امر مهمی است که با ایمان رابطه مستقیم دارد که باید مورد توجه قرار گیرد و در حریم خانواده مورد احترام و رعایت شود.

در زندگی خانوادگی از نگاه اسلام «تذکر به همسر باید با حیا عجین باشد تا احترام متقابل حفظ شود و زندگی شیرین‌تر گردد. حیا به زن و مرد عظمت می‌دهد و آنها را در ذهن مخاطب بالا می‌برد... و این چنین حیا به انسان کرامت می‌دهد». (حسن ملکی، ۱۳۸۲، ۵۶)

در این زمینه پیامبر اکرم K فرمودند: «حیا در هر چه باشد، زینت بخش آن است... نهایت کرامت در حیا منعکس است». (عبدالواحد تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ۲، ۵۴۳)

در نظام خانواده متعادل حیا مبنای اصول خانوادگی قرار می‌گیرد (محمد رضا شرفی، همان، ۴۲؛ حسین بستان (نجفی)، همان، ۲۳۹) و انگیزه‌ای برای رعایت احکام اخلاقی است و عاملی برای ممانعت از اعمال سوء و حتی عاملی است برای جلوگیری از موقعیت‌هایی که در آن فرصتی برای ارتکاب گناه به وجود می‌آید.

بنابراین، در خانواده متعادل عنصر حیا یکی از پایه‌های اساسی و زیربنای خانواده می‌باشد که در حفظ ساختار خانواده و شخصیت افراد و ارتقاء ملکوتی هر یک از اعضا و رساندن خانواده به مقام قرب الهی، نقش مهمی دارد.

۲. **مدارا و تغافل:** در دنیای امروز با وجود پیشرفت‌های سریع در زمینه‌های مختلف، هنوز مسائل و مشکلات بسیاری لاینحل مانده است. مسائل و مشکلاتی که ناشی از ضعف

اخلاق و ایمان می‌باشد. زندگی پر زرق و برق مادی بر خانواده‌ها تاثیر منفی گذاشته است. تلاش معاش و رقابت نه چندان سالم، زندگی ملال‌آور و پر از رنج را برای انسان عصر جدید به ارمغان آورده است. (سعیدرضا عاملی، ۱۳۸۴، ۴۷)

در چنین اوضاع و احوالی بدون شک، اصول اخلاقی که اعتقادات مذهبی در مرکز آن است قادر خواهد بود، نقش تعیین‌کننده را ایفا کند. «بدون تردید، پس از گذشت مدت زمانی از آغاز ازدواج مسائلی بین زن و مرد به وجود می‌آید که پیوند آن دو را با یکدیگر کمی دچار تزلزل می‌سازد و در نتیجه سردی و کدورت جایگزین صفا و صمیمیت اولیه می‌گردد. اما اگر اعضای خانواده، مقید به اصول اخلاقی منبعث از ایمان به خداوند متعال باشند، به جای برخورد با سردی و بی‌تفاوتی، صفا و صمیمیت میان آنها استمرار خواهد یافت. افراد در خانواده با متخلق شدن به اصول اخلاقی، تحمل و شکیبایی و اغماض و چشم‌پوشی از خطاهای یکدیگر، نقش مهمی در حفظ تعادل و استحکام و استواری خانواده دارند». (سیده مژگان سخایی، ۲۴۱)

ابراز مهر و محبت و خطاپوشی و خطابینی در خانواده متعادل از اصول اخلاقی و باورهای رفتاری است «افراد رفتارهای یکدیگر را با ملاک توحیدی می‌سنجد تا اینکه در یابند چه رفتاری نادرست است... [و] با یافتن الگوهای صحیح رفتاری بنابر آنچه در مکتب اهل بیت^۱ می‌باشد، به دنبال اصلاح رفتارهای نادرست می‌باشند. (سیده مژگان سخایی، ۲۴۱) افراد در خانواده سالم «بیش از هر مجموعه انسانی دیگر بزرگ منشی... را سرلوحه مناسبات خود با یکدیگر قرار دهند». (محمد رضا شرفی، ۱۱۷)

شیوه برخورد خانواده متعادل با نقص و کاستی، گذشت و مدارا است؛ چنان که خداوند در این مورد می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرِفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛ با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (یا با آنها ستیزه مکن)». (سوره اعراف، آیه ۱۹۹)

از امام صادق (ع) چنین نقل شده که «در قرآن مجید آیه‌ای جامع‌تر در مسائل اخلاقی از آیه فوق نیست.» (ابوعلی فضل بن الحسن طبرسی، ۱۳۷۵، ۱، ۲۵۴) در این «آیه عبارت (خُذِ الْعَفْوَ) بیانگر فضایل نفسی و عقلی که نامش حکمت است و در جمله (وَ أَمْرٌ بِالْعُرْفِ؛ به نیکی‌ها و شایستگی‌ها دستور داده) ... است.» (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۸، ص ۸۲)

پیامبر اکرم (ص) پیرامون مدارا کردن با دیگران می‌فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ، فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ وَ إِلَّا عِزًّا، فَتَعَاَفُوا يَعِزُّكُمْ اللَّهُ؛ بر شما باد به گذشت، زیرا گذشت جز عزت بنده را نیافزاید.

پس از یکدیگر بگذرید تا خدا شما را عزیز کند.» (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۳۷۹، ۴، ۲۱۴)

در خانواده متعادل افراد با مدارا و گذشت، توانایی برخورد مثبت و سازنده با جهان پیرامون را پیدا می‌کنند و با نگاه مثبت حتی برخی از معایب آنها را حُسن می‌بیند. بنابراین افراد با رعایت اصول اخلاقی و فضایل انسانی نقش مهم و اساسی در حفظ تعادل و استحکام خانواده دارند.

۳. آموزش و تربیت خانواده

خانواده «بیش از هر سا زمان دیگر دستخوش دگرگونی و تغییر می‌باشد و مظهر دو جریان متناقض ثبات و تغییر می‌باشد. خانواده به‌عنوان واحد سازمانی بخش روابط مشروع انسان‌ها همیشه هست و خواهد بود، با این همه و علیرغم ثباتش دگرگونی‌هایی چند را تحمل کرده است. بنابراین برای حفظ و ثبات خانواده همراه با روند تغییرات در خانواده باید آموزش همراهی با این تغییرات در خانواده فراهم گردد. اساساً تمام نگاه اسلام به خانواده متعادل و سالم است. به همین جهت در تعالیم اسلامی ریشه و اساس شکل‌گیری شخصیت فرد را ناشی از خانواده می‌داند. (احمد به پژوه، ۱۳۸۳، ۲۰)

حضرت علی (ع) با تاکید بر امر تعلیم و آموزش به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «دل جوان نو خاسته مانند زمینی خالی از گیاه و درخت است، هر بذری که در آن فشانده می‌شود،

می‌پذیرد و در خود می‌پرورد». (سید شریف رضی، ۱۳۸۵، ۶۷۶ (نامه ۳۱) اما اولین بذر را چه کسی پرورش می‌دهد؟ در حقیقت کسی جز پدر و مادر نیست.

یکی از روش‌های اثر بخش در تعلیم و تربیت اسلامی روش الگوبرداری، دادن سرمشق و مدل‌سازی است؛ حتی در قرآن خطاب به رسول اکرم^ک آمده است: «ای محمد تو اسوه حسنه هستی» (سوره احزاب، آیه ۲۱) و اسوه حسنه یعنی اینکه هر کاری که انجام دهی و به بهترین وجه و باید در درجه بالای اخلاقی و انسانیت باشد، تا پیروانت بتوانند به عنوان سرمشقی آن را در طول تاریخ به کار گیرند.

خانواده به سبب تماس طولانی و نزدیک و دائمی با کودک نقش قابل ملاحظه‌ای در ساخت شخصیت و رفتار کودک خواهند داشت. کودک آینه تمام نمای خانواده خود می‌گردد و همه بدی‌ها و خوبی‌ها یا آنچه را که از آنها می‌بیند یا می‌شنود، در خود منعکس می‌کند. (علی قائمی، ۱۳۶۶، ۴۵؛ اصغر الهامی و محمد مهدی محمدی، ۱۳۷۶، ۶۴) بنابراین پدر و مادر، الگویی برای کودک هستند که تعیین‌کننده نحوه تربیت در کودک می‌باشند. (علی قائمی، ۱۳۶۵، ۲۵۷)

اصول تعلیم و تربیت اسلامی، تعلیم و تربیت عملی است. اصل عامل بودن، مهم‌ترین اصل موفقیت در تعلیم و تربیت است. (اصغر الهامی و محمد مهدی محمدی، همان، ۶۰-۷۵) در فرهنگ دینی به شکل‌های گوناگون به نقش الگویی در تعلیم و تربیت توجه ویژه‌ای شده است که گفتار و فعل همراه با عمل باشد.

در جامعه امروز وسایل ارتباط جمعی ابزار بسیار خوبی برای مربیان و خانواده‌ها جهت وصول به اهداف تربیتی و آموزشی هستند. (جمعی از صاحب نظران، خانواده تعلیم و تربیت، ۲۱۶) اگر این رسانه‌ها در جهت هدف متعالی خانواده حرکت کنند در این صورت استفاده مثبت و درست از ابزارهای رسانه‌ای است که می‌توان امید داشت که رسانه به ابزاری قوی مبدل می‌گردد که توانایی همسو کردن ارزش‌ها و اصول اخلاقی و اجتماعی خود را با خانواده و ارزش‌های جامعه هموار کند.

شناخت تهدیدها و راه‌های مقابله با آن

از مهم‌ترین عوامل تحکیم خانواده متعادل و تداوم آن برخورد منطقی و صحیح با مشکلات پیش آمده می‌باشد. خانواده متعادل به این معنی نیست که در آن هیچ مشکلی وجود ندارد؛ بلکه در چنین خانواده‌ای افراد برای هر یک از مشکلات دنبال راه‌حل‌های صحیح و عاقلانه می‌باشند.

در جامعه امروز در رفتارها و ارزش‌های زندگی تغییرات مختلفی به‌وجود آمده است که نیاز به تامل و شناخت و ترمیم روابط خانوادگی و اجتماعی دارد خانواده جدید، چنان ابعادی دارد که هرگز در تاریخ نداشته است؛ در روابط جدید اجتماعی دیوارهای نفوذناپذیر خانواده فرو ریخته است. (بهمن امامی، ۱۳۸۳، ۳۲؛ محمد رضا شرفی، ۱۲۴)

به همین علت خانواده‌ای که در طی سال‌ها تغییر یافته با مسایل و مشکلات جدیدی روبرو است، که از جمله این تهدیدها به: تغییر الگوی سبک زندگی خانواده‌ها، حاکمیت مسایل مادی و اقتصادی، تاثیر منفی رسانه‌ها، ایجاد بحران‌های عاطفی، تغییر نگرش‌ها و حاکمیت فردگرایی به جای خداگرایی و اخلاق، کاهش ارزش مادری را می‌توان ذکر کرد؛ (شکوه نوابی نژاد، ۱۳۸۴، ۱۸) در این قسمت به برخی از این محورها به صورت خلاصه اشاره می‌کنیم:

۱. تغییر الگوی سبک زندگی: سبک زندگی و تغییرات ساختاری (life style) آن در جامعه امروز یکی از مسایل بسیار مهم در عرصه خانواده و جامعه است. به تدریج که جامعه کشاورزی به صنعتی تغییر یافته، کارکردها و اقتدار خانواده‌ها هم همراه آن دگرگون شده است و در این مسیر الگوی سبک زندگی نیز تغییر یافته است. به عبارتی دیگر «خانواده در جامعه صنعتی فقط واحد مصرف‌کننده تولیدات اقتصادی است نه تولیدکننده آنها. با تغییر کارکرد خانواده از حالت یک واحد تولیدی به یک واحد مصرفی صرف، دیگر نیازی به استفاده از تعداد بسیار فرزندان و اعضای خانواده صحیح وجود ندارد که در کار خانوادگی به طور دسته جمعی شرکت جویند». (فروزنده پایدار، ۱۳۸۴، ۹۸)

در خانواده جدید ابزارها و صنایع رسانه‌ای مختلف (اعم از سینما، رادیو تلویزیون، کتاب، ماهواره و اینترنت و...) فرهنگ و سبک زندگی خانواده‌ها را در معرض تغییر قرار داده است. «استفاده از فناوری‌ها و وسایل جدید و مدرن (بهمن امامی، همان، ۳۲؛ محمد رضا شرفی، همان، ۱۲۴) در تمامی شبانه روز خانواده‌ها را در معرض تهاجم قرار داده است و این تأثیرات به نوعی تعادل زندگی و رفتارها و خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی و نوع مصرف را نیز تغییر داده است و تنوع‌طلبی در مصرف و تمایل به داشتن کالاهای نو را به دنبال دارد (مرکز پژوهش‌های صدا، ۱۳۹۰، ۶۴-۶۶ و ۲۴۹) به گونه‌ای که امروزه تأثیر الگوی مصرف و سبک زندگی در مقوله امنیت ملی مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است.

۲. حاکمیت مسائل مادی و اقتصادی: حاکمیت مسائل مادی و اقتصادی در خانواده‌های امروزی موجب برهم خوردن تعادل و توازن در دخل و خرج‌ها و افزایش توقع‌های فردی گردیده است و این امر سبب سست شدن پایه‌های نهاد خانواده و افزایش اختلاف و بحران در خانواده‌ها شده است. (علی قائمی، همان، ۲۳۲)

در حالی که در خانواده متعادل اسلامی تولید و مصرف در خدمت آسایش و آرامش مادی و معنوی و مصرف همراه اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر و نیز توجه به وظایف شرعی مثل پرداخت خمس و زکات و انفاق می‌باشد (محمد حسن حر عاملی، ۱۳۸۴، ۱۲، ۷۸) که در آموزش بین والدین و فرزندان می‌توان از آن بهره گرفت. امام رضا (ع) درباره چگونگی خرج در خانواده می‌فرماید: «حد وسط بین دو روش مکروه و ناپسند و بین زیاده روی و سخت‌گیری». (همان، ۱۱)

برای داشتن مصرف صحیح، برنامه‌ریزی اقتصادی لازم است و در این مسیر «...زنان با استفاده از شیوه‌های مرسوم و هم چنین تدابیر و خلاقیت و ایجاد شیوه‌های نوین و متناسب با سطح زندگی خانواده می‌توانند کمک مهمی در تصحیح مصرف خانواده و همچنین آموزش مصرف صحیح به فرزندان داشته باشند». (سعیدرضا عاملی، همان، ۴۷؛ مرکز پژوهش‌های صدا، همان، ۲۵۵)

۳. تاثیر منفی رسانه‌ها (بحران عاطفه): ورود وسایل جمعی و شکافنه شدن دیوار

سنتی خانواده توسط این وسایل و شکستن حریم آن در خانواده‌های امروزی موجب شده است که زن و شوهر در خلال ساعات حضور در کنار یکدیگر، بیشتر وقت خود را صرف تماشای تلویزیون نمایند و بدین سان کانون توجه در درون خانواده نیز به پدیده‌های خارج از خانه انتقال می‌یابد. (مرکز پژوهش‌های صدا، همان، ۲۵۵) چنانچه این رسانه‌ها در جهت خلاف هدف خانواده قرار گیرند، فرزندان از آن جدا شده و به تدریج با ایجاد بحران‌های عاطفی و گرایش به خارج از خانواده، زمینه فروپاشی خانواده‌ها فراهم می‌گردد.

رسانه‌ها همان‌گونه که تاثیر مثبت دارند، دارای کارکردهای منفی نیز می‌باشد یکی از این کارکردها تبلیغ و ترویج مصرف‌گرایی، تبلیغ زندگی تجملی، سوق دادن خانواده‌ها به سوی تجمل‌گرایی، تبعیض جنسی، تغییر نگاه زن و شوهر نسبت به یکدیگر در حالی که در عمل خانواده‌ای که بر مبنای عشق و محبت استوار شده است را با مشکل مهمی روبرو می‌کند که عشق و همبستگی و حس ایثار و فداکاری را در خانواده کم رنگ می‌نماید و به مرور زمان مشکل خانواده را به عنوان بحران جدید وارد خانواده‌ها می‌کند که بنیان خانواده‌ها را از هم می‌گسلد. (پروین سازگار، جهانی شدن و ساختار خانواده، ۶۵)

در حالی که در خانواده متعادل، افراد در برابر شکافتن دیوارهای سنتی خانواده و بحران‌های به وجود آمده توسط وسایل ارتباط جمعی و شکستن حریم‌های روابط خانوادگی بی تفاوت نمی‌باشند و به دنبال تعدیل نقش ارتباطات جمعی در خانواده می‌باشند.

۴. تغییر نگرش‌ها (حاکمیت فردگرایی به جای خداگرایی و اخلاق): تغییر نگرش‌ها

در سال‌های اخیر سبب کم شدن ازدواج‌ها و تشکیل خانواده گردیده است. شاید بتوان مهم‌ترین عامل این تغییر را حاکمیت فرهنگ مادی دانست که خود از فردگرایی مفرط نشأت گرفته است. چنان که ویل دورانت می‌نویسد: «خانواده که روزگاری مهد گرامی اخلاق و پایه نظم اجتماعی می‌بود، تسلیم فردیت زندگانی صنعتی شهری می‌گردد و بیش از یک نسل دوام نمی‌یابد».

خانه‌هایی که با رنج و زحمت برای پناه دادن دختران و پسران بنا می‌شود خالی و ساکت می‌ماند». (ویل دورانت، ۱۳۷۱، ۸۷)

این امر سبب کم شدن قبح تک‌زیستی، تجرد، کاهش قداست و اهمیت خانواده گردیده (محسن ایمانی، ۱۳۸۴، ۹۸؛ سعیدرضا عاملی، همان، ۵۰) و در واقع ارزش خانواده را تا حد یک هم سفرگی ساده تنزل داده است. با کاهش ارزش خانواده، کارکردهای آن نیز دستخوش آسیب گردیده است. (شکوه نوایی نژاد، ۱۳۸۴، ۲۳)

نتیجه نارضایتی فردی، تمایل به برقراری رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج با افراد متعدد شده است. (وندی شیلت و نانسی لی دموس، ۱۳۸۴، ۸۷) همان‌طور که ویل دورانت نیز در کتاب لذات فلسفه می‌نویسد «در همان حالی که شهر موانعی بر سر راه ازدواج می‌گذارد. برای تحریک غریزه جنسی و تسهیل ارضای آن همه گونه وسایل آماده می‌سازد. رشد جنسی مانند سابق زود دست می‌دهد». (همان، ۹۴)

بر این اساس کارکرد تنظیم رفتار جنسی در خانواده و روابط و وظایف زن و مرد و فرزندان دچار تغییر و تحول گردیده است، که این امر از آسیب‌های مهم در خانواده‌های امروزی است که خانواده متعادل باید با تدبیر و درایت با این تهاجم‌ها برخورد کنند. (مرکز پژوهش‌های صدا، همان، ۲۴۴)

۵. کاهش ارزش مادری: از دیگر کارکردهای خانواده، فرزندآوری است که از عوامل مهم در ایجاد آرامش روانی مادر، نشاط‌افزایی در خانواده می‌باشد. ازدواج تنها برای این نیست که زن و مرد را به هم پیوند دهد بلکه مقصودی دیگر هم دارد و آن اینکه زندگی همراه با ایجاد پیوند صداقت و مواظبت میان والدین و فرزند فراهم نماید و در واقع یکی از اهداف و کارکردهای ازدواج به خاطر فرزند داشتن پدید آمده است.

ولی در جامعه امروز «تمایل به فرزندآوری در زوج‌های جوان کم‌تر از گذشته است و فاصله میان ازدواج و اولین بارداری افزایش یافته است. این امر علاوه بر اینکه ناشی از کم اهمیت شمرده شدن مادری، تاثیر کاهش جمعیت خانواده در افزایش سطح زندگی و رضایت‌مندی از آن و با اهمیت دانستن اشتغال و فعالیت اجتماعی نسبت به فعالیت خانگی است، مشکلات

فرهنگی موجود در اجتماع و پیدایش نگرش‌های جدید نیز در این امر دخیل است». (هادی کافی، ۱۳۸۵، ۸۷) کاهش ارزش‌های مادری، تهدیدی برای از بین رفتن بنیاد خانواده می‌باشد. (وندی شیلت و نانسی لی دموس، همان، ۱۳۲)

بنابراین باید معادله‌ای برای تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و اصلاحات فرهنگی به منظور هماهنگی فرهنگ خانوادگی و اجتماعی در مسیر اصلاح نگرش‌ها صورت گیرد.

۶. فردگرایی در خانواده (منافع شخصی): عامل دیگری که باعث تهدید خانواده و بر هم خوردن تعادل آن می‌شود، اندیشه فردگرایی می‌باشد. «فردگرایی به این معنا است که هیچ قدرت بیرونی برخواسته‌های فردی فرمان نمی‌راند و یگانه معیار حقیقی همانا فرد است. در این دیدگاه میل انسانی مهم‌ترین جایگاه را دارد و فرد در تراحم منافع با دیگران، منافع خویش را مقدم می‌دارد». (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۸۵، ۲۷)

فردگرایی در محیط خانواده سبب می‌گردد «که پیوند اعضای خانواده صرفاً بر پایه منافع شخصی باشد. در چنین خانواده‌هایی اعضاء نسبت به یکدیگر چنان که باید احساس مسئولیت نمی‌کنند و روابط والدین و فرزندان از استحکام لازم برخوردار نیست». (همان، ۲۸؛ مرتضی مطهری، ۱۳۷۲، ۱۷۷)

بدین گونه ارزش‌های جدیدی مانند لذت فردگرایی، استقلال‌طلبی، آزادی جنسی، حق انتخاب هم جنس و اینکه زن مالک جسم خود و حق تصرف در آن دارد، پدید می‌آید و به این ترتیب بحران عاطفی در خانواده ایجاد می‌گردد.

در حالی که خانواده‌ها به ظاهر در کنار یکدیگر به سر می‌برند ولی در عمل تعلق روحی و عاطفی و روابط بسیار سرد در زندگی آن‌ها حاکم است به گونه‌ای که محبت و مهربانی و ارضاء روحی و عاطفی را در خارج از خانه با دوستان و حتی گاه روابط نامشروع جستجو می‌کنند. (شکوه نوابی نژاد، ۱۳۸۴، ۲۶؛ وندی شیلت و نانسی لی دموس، همان، ۱۸۴)

حاکمیت فردگرایی آثار بدی در روابط خانوادگی برجای می‌گذارد که از مهم‌ترین پیامدهای منفی می‌توان به ناسازگاری، از بین رفتن قبح طلاق و افزایش آن در سطح جامعه، گسترش روابط نامشروع اشاره کرد.

راه‌های تحکیم خانواده در جامعه امروز

به طور کلی برای حل تنش‌ها و مشکلات متعددی که در خانواده ایجاد می‌شود، اولین مرحله این است که زن و شوهر مصمم به حفظ و ادامه زندگی خود باشند و اراده جدی خود را برای ترمیم روابط آسیب دیده به کار گیرند.

در بدترین لحظات بحرانی حداقل یک وجه مشترک بین زن و شوهر وجود دارد و آن علاقه‌مندی به سعادت و شادکامی فرزندان است. توجه به وجه مشترک زوجین انگیزه‌ای

۱. «همه روان شناسان تفاوت‌های فردی را به عنوان یک اصل مسلم پذیرا شده‌اند. همانندی کامل بین زن و شوهر امکان‌پذیر نیست. اختلاف در طرز تلقی‌ها و نگرش‌ها باعث تفاوت در توقع‌ها و نیازها می‌شود. حال اگر افراد در خانواده براساس فردگرایی طبق نظر و سلیقه خویش عمل نمایند خانه صحنه درگیری و تنش می‌شود و هر یک برای رسیدن به آنچه که حق خویش می‌دانند با یکدیگر جدال می‌نمایند و این امر به ناسازگاری با یکدیگر، منجر خواهد شد». مریم معین الاسلام، همان، ص ۱۲۶ / محمد رضا شرفی، همان، ص ۹۳

۲. «میزان طلاق در قرن حاضر در کشورهای صنعتی رشد فزاینده‌ای داشته است. تزلزل ارزش‌ها، زندگی شهرنشینی، ترویج اندیشه «حق فردی» کارکردهایی را که خانواده در گذشته داشته، کاهش داده است و هر یک از اعضای خانواده براساس منافع فردی خویش عمل می‌نماید و چنانچه منافع او در خانواده با منافع دیگر اعضا تعارض یابد، فرد برای رسیدن به هدف و منفعت شخصی خویش خود را از خانواده جدا می‌نماید تا بدون داشتن مانع به هدف خویش برسد». بهمن امامی، همان، ص ۳۳ / وندی شیلت و نانسی لی دموس، همان، ص ۱۲۶

۳. «یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده زندگی زناشویی، روابط جنسی است. درصد بالایی از طلاق‌ها ناشی از این است که فرد در درون خانواده روابط جنسی راضی‌کننده‌ای ندارد به همین دلیل به بیرون از خانه متمایل می‌باشد. عده‌ای از افراد بر اساس همان حس فردگرایی داشتن رابطه جنسی در درون نهاد خانواده را برای خویش و ارضای غریزه خود کافی نمی‌دانند بنابراین به دنبال تامین این نیاز در خارج از محدوده کانون خانواده می‌باشند». بهمن امامی، همان، ص ۳۳

نیرومند برای رفع مشکلات است. عامل اصلی رسیدن به تفاهم، رعایت اصول اخلاقی و دستورات دینی در روابط زندگی است که به برخی از موارد آن اشاره می‌کنیم:

پای بندی به اصول اخلاقی و مبانی دینی

خانواده نهاد مقدسی است که با پیوند زن و مرد شکل می‌گیرد توجه به کرامت انسانی همسر و فرزندان، بازنگری در روابط اعضای خانواده و رعایت حرمت طرفین و نیکی به یکدیگر از جمله مواردی است که موجب استحکام خانواده می‌گردد.

مطلوبیت زندگی اجتماعی و پیوند دادن زندگی فرد با افراد دیگر، از آن جهت است که اصیل‌ترین نیازهای مادی و معنوی افراد در زندگی‌های اجتماعی و در ظرف خانواده تامین می‌گردد، زیرا در محیط خانواده است که نیاز تکوینی فرزند به پدر و مادر و نیاز مستقیم زن و شوهر به یکدیگر و نیازهای عاطفی اعضای خانواده به یکدیگر به بهترین حالت روحی و روانی ابراز می‌شود و در عمل متقابل با توجه به نیازهای فطری و روحی پاسخ‌های خود را می‌گیرند.

از آن روی که دین اسلام، دین بایدها و نبایدها و به عبارت زیباتر، دین ارزش‌ها است. اگر بخواهیم باورهای صحیح را بشناسیم، باید ببینیم در آموزه‌های دینی‌مان ارزش‌ها چیستند، ارزش‌هایی که در چهارچوب مسائل اخلاقی و دین بایدها و نبایدها بیان شده است و چون ریشه در فطرت انسانی دارند، عمل به آن‌ها در روابط خانوادگی و زندگی اجتماعی موجبات سعادت و کمال و رسیدن به آرامش را فراهم می‌سازد (حسین بستان‌نجفی)، همان، ۲۳۰) تا از نعمت‌ها و زیبایی‌ها و لذت‌ها در زندگی و روابط سالم خانوادگی، برای تکامل روحی، فکری و معنوی انسانی بهره‌برند.

برای آنکه خانواده‌ای مستحکم داشته باشیم، افراد خانواده باید با چهارچوبی که در آموزه‌های دینی ما ترسیم شده و با حاکمیت اخلاق در عرصه زندگی عجین شده، کاملاً آشنایی داشته باشند. به عبارتی افراد خانواده باید بدون هیچ افراط و تفریط، به نقش‌ها و وظایف خود

پایبند باشند تا حریم فردی افراد و حقوق آنها رعایت شود. (الهامی و محمدی، ۱۳۷۶، ۹۸؛ محمد رضا شرفی، همان، ۶۲)

احساس مسئولیت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است که یکی از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های خانواده است، که با مراقبت و مواظبت بر ایمان یکایک اعضای خانواده تاثیرگذار و هدایت کننده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند، (به طور کامل) اجرا می‌نمایند» (سوره التحريم/ آیه ۶). آنچه از این آیه استفاده می‌شود، تنها تامین هزینه زندگی، تهیه مسکن، تغذیه و... وظیفه پدر و سرپرست نیست، بلکه مهم‌تر از آنها، تغذیه روح و جان اعضای خانواده است. نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم نمودن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۲۸۸). یکی دیگر از مسئولیت‌های خانواده آموزش و تعلیم و تربیت است که از وظایف اصلی و کارکردهای مهم خانواده محسوب می‌شود. آنجا که می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...: خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش...» (طه؛ ۱۳۲).

یکی دیگر از کارکردهای خانواده از نظر قرآن محل امنیت و آرامش و سکون است و بر اساس مهر و محبت بنا نهاده شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (سوره

الرّوم؛ ۲۱)؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید...» (الأعراف/ ۱۸۹).

از آنجا که محبت می‌تواند خانواده را از خطر اضمحلال حفظ کند، به همین دلیل، تشویق به مهرورزی و تقویت آن از طریق پاداش اخروی می‌نماید: «قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ / فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ السَّمُومِ: می‌گویند: «ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (از اینکه مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد)، اما خداوند بر ما منت نهاد و از عذاب‌کشنده ما را حفظ کرد» (سوره الطور، ۲۶-۲۷)

از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم β برخورد شایسته با همسران است. قرآن کریم به مردان دستور می‌دهد با زنان به طور شایسته رفتار کنند: «عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» و با آنان به‌طور شایسته رفتار کنید...» (سوره النساء، ۱۹). نیز تأکید می‌کند که بدی‌ها و ناخشنودی‌های همدیگر (زن و شوهر) را تحمل نمایند که شاید این زمینه‌ای برای نزول خیر و برکت فراوان از سوی خداوند باشد: «... فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا...» و اگر از آنها، (به جهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد» (سوره النساء، ۱۹).

در این میان، پیامبر K بزرگترین سرمشق برای مردان در برخورد با زنان می‌باشد تا آنجا که خدای تعالی دو آیه را درباره توجه و اهتمام پیامبر K در برخورد مطلوب با همسرانش نازل فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده، به‌خاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است» (سوره التّحریم، ۱).

در خانواده‌ای که اخلاق حاکم است، مرد وزن باید به همسر و فرزندان خود به گونه‌ای نگاه کنند که گویی امانت الهی را در دست دارند و هر یک از اعضا خانواده حقوق اجتماعی و فردی سایر افراد خانواده را به رسمیت بشناسند و رعایت کنند، در این صورت است که شاهد خانواده‌ای پایدار و سعادت‌مند خواهیم بود.

حکمت (اصلاح روابط)

در هنگامی که خانواده دچار مشکل شود و در صورت عدم تفاهم زن و مرد در خانواده راه حل ساده استفاده از حکمت و نیاز به داور پیشنهاد شده است. داور بی‌طرف، دلسوز، عاقل، با تجربه و بی‌غرض؛ داوری که هر دو طرف، برای او احترام قائل باشند و حرف و صلاحدید او را بپذیرند و به داوری او رضایت دهند.^۱

در قرآن کریم بیان شده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا...» (سوره نساء، آیه ۳۵)

«اگر نزاع و اختلاف میان آن دو (همسران) بیم داشتید که به جدایی بیانجامد پس یک داور و حکم از سوی خانواده مرد و داوری هم از سوی خانواده زن انتخاب کنید و بفرستید، اگر آن دو در پی اصلاح هستند نیز میان آنان آشتی و توافق پدید می‌آورد».

تعیین چنین داورانی، برای جلوگیری از تفرقه و از هم پاشیدگی خانواده‌ها است. وظیفه عموم مومنین، فامیل‌ها و وابستگان و حتی دستگاه قضایی و دادگستری آن است که تا

۱. «قرآن کریم نیز به چنین حکمیتی رأی داده است. تلاش از سوی این دو قاضی خانوادگی و اصلاح از سوی خدا. یعنی یک گام را ایمان برمی‌دارند، گام دیگر را خداوند با نزدیک ساختن دل‌ها به یکدیگر و ایجاد مودت بر می‌دارد. گرچه دو طرف، راضی به حکمت و داوری می‌شوند و گرچه دو داور، برای آشتی دادن تلاش می‌کنند، اما دل‌ها در قبضه قدرت خداست و او الفت آفرین است و این تلاش را سبب حصول توافق و هماهنگی می‌سازند.» جواد محدثی، راه زندگی الفبای سعادت خانواده، ص ۲۱۱

می‌توانند با چاره‌اندیشی و تدبیر، مانع تفرقه، جدایی و طلاق شوند و ایجاد آشتی و وفاق را سر لوحه کار خویش قرار دهند.

معرفی خانواده نمونه

از مزایای مکتب اسلام نسبت به دیگر مکاتب این است که اسلام دارای نمونه و الگو در همه عرصه‌های حیات مربوط به انسان است. اگر امر و فرمانی دارد برای آن صورت و نمونه عملی معرفی می‌کند تا افراد کاملاً از آن آگاه شوند و در خط اجرا و عمل قرار گیرند.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»

(سوره نساء، آیه ۳۴)

«این چراغ پر فروغ در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده، دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوس‌بازان در امان باشد) خانه‌هایی که نام خدا در آن برده شود و صبح و شام در آن تسبیح گویند».

خانه‌ای که مرکز یاد و نام خدا و آرامش و مودت و رحمت در بین اعضا است. اسلام برای هدایت خانواده‌ها و جهت‌دهی آنان به سوی رشد، شخصیت‌هایی چون پیامبر K و امامان B را به عنوان اسوه و شاهد معرفی کرده است. در بعضی از روایات مانند روایتی که از امام باقر (P) نقل

۱. «در این جا، نور هدایت و ایمان، یعنی همان نور الهی را تشبیه به یک چراغ پر فروغ نموده است و اما در این آیه بیان می‌کند که این چراغ پر نور کجاست؟ و محل آن چگونه است؟ خانه‌ای با این مشخصات که دیوارهای آن برافراشته شده و مردانی مصمم و بیدار و هوشیار در آن به پاسداری مشغولند، ضامن حفاظت این چراغ پر فروغ است. به علاوه آنها که در جستجوی چنین منبع نور و روشنایی هستند، از محل آن با خبر می‌شوند و به دنبال آن می‌شتابند؛ این چنین ویژگی‌ها نشان می‌دهد که این بیوت همان مراکزی است که به فرمان پروردگار استحکام یافته و مرکز یاد خدا است و حقایق اسلام و احکام خدا از آن نشر می‌یابد».

(ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۱۴، ص ۳۲۱)

شده که فرمودند: «هی البیوت الانبیاء و بیت علی منها؛ این آیه اشاره به خانه پیامبران است و

خانه علی (ع) نیز از این زمره محسوب می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۵، ۲۱۹)

در جای دیگر امام علی (ع) در نامه خود می‌نویسند: «فَإِنَّا صَنَاعُ رَبَّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَاعُ لَنَا؛ ساخته شده پروردگار ماییم و مردم براساس الگوگیری و علامت، ساخت شده‌های ما هستند». (نهج البلاغه، ۵۶۲، (نامه ۲۸))

امام علی (ع) در معرفی خانواده نمونه، به خاندان پیامبر (ص) اشاره کرده و می‌فرمایند: «قیاسُ بآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَهُمْ خَصَائِصٌ حَقُّ الْوَلَايَةِ؛ از این امت احدی را در خور قیاس به آل محمد (ص) که رحمت و درود خدا بر او و خاندانش باد نیستند و ویژگی‌های مقام ولایت در آل محمد جمع است». (همان، ص ۱۳۲، (خطبه ۲))

تاکیدهای اخلاقی و سفارش‌های حقوقی قرآن و روایت‌های گرانقدر ائمه معصومین (ع) برای تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده بیش از جوانب دیگر حیات بشری است هر قدر خانواده با مبانی دینی و اخلاقی اسلام آشنا باشند و در تحکیم و ثبات و پایداری آن از دستورات دینی و تربیتی و اخلاقی بهره گیرند و کانون و نهاد خانواده را بر اساس عشق، مسئولیت، تحمل و مراقبت شکل دهند، می‌توانند به شرط برخورداری از نشاط، در ایجاد روحیه اجتماعی احسان، ایثار و فداکاری در سلامت و تأمین امنیت و آرامش خانواده و اجتماع نقش آفرین باشند. در این زمینه نیز می‌توان با الگوسازی و ارائه نتایج ازدواج‌های موفق و ناموفق، معیارهای درست و خانواده‌های موفق را به جامعه معرفی کنیم.

در معرفی این نمونه‌ها و آشنایی جامعه با اسوه‌ها و الگوهای موفق زندگی و اصول اخلاقی در خانواده‌ها و حرکت برای پایداری و استحکام خانواده‌ها نقش مبلغین آگاه و توانا در مجالس و محافل مذهبی اهمیت و جایگاه خاص خود را می‌یابد.

نتایج

آنچه خانواده را در نگاه دین از جایگاهی رفیع برخوردار کرده، کارکردهای منحصر به فردی است که از خانواده بنیادی مقدس و از ازدواج، پیمان الهی می‌سازد. این نگرش، خانواده از یک سو اعتبار همیشگی و پایداری خود را از خداوند می‌گیرد و از سوی دیگر حلقه اتصال میان حیات جسمانی و معنوی و تعادل بخشی به زندگی بشری است. به‌همین دلیل علاوه بر آن که پایگاهی برای امنیت، آرامش و رشد است، باید آن را مهم‌ترین پایگاه فرهنگی هر جامعه دانست. قوام خانواده به منظور تداوم انسجام جامعه و تامین محیطی سالم برای زیستن انسان‌ها ضرورتی انکارناپذیر است.

بنابراین اهداف خانواده و اقتضای تاسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن یعنی زن و شوهر با آگاهی از دستورات اسلام و روابط بین همسران و فرزندان در خانواده، در تحکیم و پایداری این بنا نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود. در این میان به علت حضور خوب بانوان در مجالس مذهبی در انتقال مفاهیم دین و آموزه‌های اسلامی مبلغات نقش زیادی می‌توانند در آگاهی بخشی و پایداری خانواده‌ها با توجه به تهاجم فرهنگی و جنگ نرم داشته باشند.

تاکیدهای اخلاقی و سفارش‌های قرآن و روایت‌های گرانقدر ائمه طاهرين β برای تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده بیش از جوانب دیگر دستورات الهی است، که بخشی از آن برای تزکیه و تطهیر فرد و بخشی پیرامون اصلاح جامعه و حفظ سلامت آن وضع شده است.

زوجین هر قدر با آموزه‌های قرآنی آشنا باشند، بهتر می‌توانند فطرت و وجدان خفته و غبار گرفته را بیدار کنند و با از بین بردن موانع، زندگی خود را به حقایق سبک زندگی قرآنی رهنمون سازند و افراد خانواده هر یک به سهم خویش، در تحصیل معرفت روابط زن و شوهر و فرزندان و تکالیف و وظایف زوجین بکوشند و در ایجاد آرامش و امنیت اجتماعی و بهداشت روانی در خانواده هریک نقش بسیار موثری ایفا کنند.

منابع

۱. اعزازی، شهلا (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی خانواده، روشنگران، تهران.
۲. الویری، محسن (۱۳۸۱)، دانشنامه جهان اسلام، سمت، تهران.
۳. الهامی، اصغر و محمد مهدی محمدی (۱۳۷۶)، تعلیم و تربیت در اسلام، اداره عقیدتی سپاه، تهران
۴. انصاریان، حسین (۱۳۸۰)، نظام خانواده در اسلام، ام ابیها، چاپ ۱۶، قم.
۵. ایمانی، محسن (۱۳۸۴)، جهانی شدن و شکاف نسل ها، مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی شدن، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، مهرماه.
۶. بستان (نجفی)، حسین، (۱۳۸۳)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
۷. بلوچ، غلامرضا، (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور فارسی، شباهنگ، تهران.
۸. پایدار، فروزنده، (۱۳۸۴)، بررسی اثرات جهانی سازی بر نهاد خانواده، همایش تقویت نظام خانواده، قم: اسفند ۱۳۸۴.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۴)، غررالحکم ودررالکلم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، تهران.
۱۰. حر عاملی، محمد حسن، (۱۴۱۲ق)، وسایل الشیعه، موسسه آل بیت، چاپ دوم، قم حسینی، سید مرتضی، (۱۳۸۳)، اخلاق تبلیغ در سیره رسول خدا (ص)، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
۱۱. جمعی از صاحب نظران، (۱۳۸۴)، خانواده تعلیم و تربیت، انجمن اولیاء و مربیان، تهران.
۱۲. خلیل جُر، (۱۳۷۶)، فرهنگ لاروس عربی - فارسی، ترجمه سید محمد طبیبیان، امیر کبیر، چاپ هشتم، تهران.

۱۳. دادگران، سیدمحمد، (۱۳۷۴)، مبانی ارتباط جمعی، مبانی ارتباطات جمعی، نشر فیروزه، تهران.
۱۴. دورانت، ویل، (۱۳۷۱)، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ هفتم، تهران.
۱۵. رضی، سید شریف، (۱۳۸۵)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر جمال، قم.
۱۶. رهبر، محمد تقی، (۱۳۷۱)، پژوهشی در تبلیغ، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۱۷. زیبایی نژاد، محمد رضا و محمد تقی سبحانی، (۱۳۸۵)، نظام شخصیت زن در اسلام، نشر هاجر، چاپ دوم، قم.
۱۸. سازگار، پروین، (۱۳۸۴)، جهانی شدن و ساختار خانواده، مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی شدن، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، مهرماه، تهران.
۱۹. سالاری فر، محمد رضا، (۱۳۸۵)، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، سمت، چاپ دوم، تهران.
۲۰. سخایی، سیده مژگان، (۱۳۸۶)، بارقه نور، فرهنگ منهای، ۱۳۸۶، چاپ دوم، تهران.
۲۱. شرفی، محمد رضا، (۱۳۷۶)، خانواده متعادل (آنانومی خانواده)، انجمن اولیا و مربیان، تهران.
۲۲. شیلت، وندی و نانسی لی دموس، (۱۳۸۸)، دختران به عفاف روی می‌آورند، تهران: دفتر نشر معارف.
۲۳. صافی، احمد، (۱۳۷۴)، خانواده متعادل، انجمن اولیا و مربیان، تهران.
۲۴. صدری، سید ضیاء الدین، (۱۳۸۳)، آئینه ازدواج و روابط همسران، انجمن اولیاء و مربیان، تهران.
۲۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن طبرسی، (۱۳۷۵)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سی و یکم، تهران.

۲۶. عاملی، سعیدرضا، (۱۳۸۴)، جهانی شدن و ارزش‌های اخلاقی خانواده، مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی شدن، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، (مهرماه)، تهران.

۲۷. فلسفی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، سخن و سخنوری، الحدیث، چاپ دوم، تهران

۲۸. قائمی، علی، (۱۳۶۶)، آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، ریشه‌یابی و پیشگیری، امیری، چاپ دوم، تهران.

۲۹. قائمی، علی، (۱۳۶۶)، خانواده و تربیت کودک، امیری، تهران

۳۰. قرائتی، محسن، (۱۳۷۹)، قرآن و تبلیغ، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ دوم، تهران.

۳۱. کرمی، رضا علی، (۱۳۸۰)، روش‌های تبلیغ، فردا، چاپ چهارم، قم

۳۲. کشوادی، طاهره، (۱۳۸۶)، اقتصاد خانواده، پیام نور، تهران.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹)، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، اسوه، چاپ چهارم، تهران

۳۴. متقی هندی، حسام الدین، (۱۴۰۹ه.ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، موسسه الرساله، بیروت

۳۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۲)، بحارالانوار، مکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران

۳۶. محدثی، جواد، (۱۳۸۴)، راه زندگی الفبای سعادت خانواده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران

۳۷. محمد بن فضل، حسین بن (راغب اصفهانی)، (۱۳۷۵)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، مرتضوی، چاپ دوم، تهران

۳۸. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۷)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه حمید رضا شیخی، دارالحدیث، قم

۳۹. مرکز پژوهش‌های صدا، (۱۳۹۰)، جنگ نرم و وضعیت کنونی ما، مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی (صدا)، چاپ سوم، تهران.

۴۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، صدا، چاپ هفتم، تهران.

۴۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، مساله حجاب، صدا، چاپ سی و دوم، تهران.

۴۲. مظاهری، حسین، (۱۳۷۳)، خانواده در اسلام، شفق، چاپ هفتم، تهران.

۴۳. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چ ۳، تهران: فردوس، چاپ سوم، تهران.

۴۴. معین الاسلام، مریم، (۱۳۸۱)، روان شناسی زن در نهج البلاغه، بهشت، قم.

۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامی، چاپ شانزدهم، قم.

۴۶. ملکی، حسن، (۱۳۸۲)، خانواده و تربیت دینی، انجمن اولیاء و مربیان، تهران.

۴۷. میبیدی، رشیدالدین، (۱۳۵۷)، تفسیر کشف الاسرار و عده ابرار، امیر کبیر، تهران.

۴۸. میر خانی، عزت السادات، (۱۳۸۰)، رویکردی نوین در خانواده، سفیر صبح، تهران.

۴۹. نوابی نژاد، شکوه، (۱۳۸۴)، جهانی شدن و تغییر ارزش‌ها در خانواده، مقالات کنگره

بین‌المللی خانواده و جهانی شدن، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، (مهرماه).

۵۰. نوابی نژاد، شکوه، (۱۳۸۴)، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، انجمن اولیاء و مربیان،

چاپ چهارم، تهران.

نشریات

۵۱. انصاریان، زهیر، (۱۳۸۲)، «راه کارهای استاد مطهری در تصحیح نگرش‌های آسیب

دیده دینی». روزنامه رسالت.

۵۲. امامی، بهمن، (۱۳۸۳)، «خانواده معاصر»، روزنامه اطلاعات، سال ۱۹، ش ۵.

۵۳. به پژوه، احمد، (۱۳۸۳)، «خانواده سالم در پناه خدا و قرآن شکل می‌گیرد»، مجله

گلستان قرآن، ش ۶۸.

۵۴. کافی، هادی، (۱۳۸۵)، «خانواده ایرانی، تأملات و پرسش‌ها»، مجله حوراء، ش ۱۹.

سایت

۵۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان www.women.org

References

1. Azazi, Shahla (2010), *Sociology of Family*, Roshangaran, Tehran.
2. Al-Weeri, Mohsen (2002), *Encyclopedia of the Islamic World*, Samat, Tehran.
3. Elhami, Asghar and Mohammad Mehdi Mohammadi (1997), *Education in Islam*, IRGC Ideological Office, Tehran
4. Ansarian, Hossein (2001), *The Family System in Islam*, Umm Abiha, 16th Edition, Qom.
5. Imani, Mohsen (2005), *Globalization and the Gap of Generations*, Proceedings of the International Congress on Family and Globalization, Tehran: Association of Parents and Educators of the Islamic Republic of Iran, October
6. Bostan (Najafi), Hossein, (1383), *Islam and Family Sociology*, Research Institute and University, Qom.
7. Baluch, Gholamreza, (2000), *Persian illustrated culture*, Shabahang, Tehran.

- 8 .Paydar, Forouzandeh, (2005), A Study of the Effects of Globalization on the Family Institution, Conference on Strengthening the Family System, Qom: March 2005.
- 9 .Tamimi Amadi, Abdolvahed, (2005), Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam, translated by Seyyed Hashem Rasooli Mahallati, Islamic Culture Publishing, seventh edition, Tehran.
- 10 .Free Ameli, Mohammad Hassan, (1412 AH), Shiite tools, Al-Bayt Institute, second edition, Qom
- Hosseini, Seyyed Morteza, (1383), Ethics of propaganda in the biography of the Prophet (PBUH), World Center of Islamic Sciences, Qom.
- 11 .A group of experts, (2005), Education Family, Association of Parents and Teachers, Tehran.
- 12 .Khalil Jor, (1997), Larus Arabic-Persian Culture, translated by Seyed Mohammad Tabibian, Amir Kabir, eighth edition, Tehran.
- 13 .Dadgaran, Seyed Mohammad, (1374), Fundamentals of Mass Communication, Fundamentals of Mass Communication, Firoozeh Publishing, Tehran.

- 14 .Durant, Will, (1992), The Pleasures of Philosophy, translated by Abbas Zaryab, Islamic Revolution Publications and Education, seventh edition, Tehran.
- 15 .Razi, Seyed Sharif, (2006), Nahj al-Balaghah, translated by Mohammad Dashti, Jamal Publishing, Qom
- 16 .Rahbar, Mohammad Taghi, (1992), Research in Propaganda, Islamic Propaganda Organization Publishing Center, Tehran
- 17 .Zibaeinejad, Mohammad Reza and Mohammad Taghi Sobhani, (2006), The system of female personality in Islam, Hajar Publishing, second edition, Qom.
- 18.Sazegar, Parvin, (2005), Globalization and Family Structure, Proceedings of the International Congress on Family and Globalization, Association of Parents and Educators of the Islamic Republic of Iran, October, Tehran
- 19 .Salarifar, Mohammad Reza, (2006), Family in the Attitude of Islam and Psychology, Samat, Second Edition, Tehran

20 .Sakhaei, Seyed H. Mojgan, (2007), Spark of Light, Farhang Minhaj, 2007, second edition, Tehran.

21 .Sharafi, Mohammad Reza, (1997), Balanced Family (Family Anatomy), Association of Parents and Educators, Tehran.

22 .Schilt, Wendy and Nancy Lee Demos, (2009), Girls Turn to Chastity, Tehran: Ma'aref Publishing House.

23 .Safi, Ahmad, (1374), Balanced Family, Parents and Teachers Association, Tehran

24 .Sadri, Seyed Zia-ud-Din, (2004), The Mirror of Marriage and Spouses' Relationships, Parents and Teachers Association, Tehran.

25 .Tabarsi, Abu Ali Fadl Ibn Al-Hassan Tabarsi, (1375), translation of Tafsir Majma 'al-Bayan, translated by Ali Karami, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 31st edition, Tehran

26 .Ameli, Saeed Reza, (2005), Globalization and the Moral Values of the Family, Proceedings of the International Congress on Family and Globalization, Association of Parents and

Educators of the Islamic Republic of Iran, (October), Tehran

27. Philosophical, Mohammad Taghi, (1368), Sokhan va Sakhnouri, Al-Hadith, second edition, Tehran

28. Ghaemi, Ali, (1987), Injuries and Social Complications, Rooting and Prevention, Amiri, Second Edition, Tehran.

29. Ghaemi, Ali, (1987), Family and child rearing, Amiri, Tehran

30. Qaraati, Mohsen, (2000), Quran and Propaganda, Cultural Center of Quranic Lessons, Second Edition, Tehran.

31. Karami, Reza Ali, (2001), Methods of Propaganda, Tomorrow, Fourth Edition, Qom

32. Keshvadi, Tahereh, (2007), Family Economics, Payame Noor, Tehran.

33. Klini, Mohammad Ibn Yaqub, (1379), Sufficient Principles, translated by Mohammad Baqir Kamraei, Aswa, fourth edition, Tehran

34. Mottaqi Hindi, Hussam al-Din, (1409 AH), Treasurer of deeds in the Sunnah of deeds and actions, Al-Risalah Institute, Beirut
35. Majlisi, Mohammad Baqer, (2003), Baharalanvar, Islamic School, Fourth Edition, Tehran
36. Mohaddesi, Javad, (2005), The Way of Life of the Family Happiness Alphabet, Islamic Culture Publishing Office, Tehran
37. Mohammad Ibn Fadl, Hussein Ibn (Ragheb Isfahani), (1375), The Words of the Quran, translated by Gholamreza Khosravi, Mortazavi, second edition, Tehran
38. Mohammadi Reyshahri, Mohammad, (2008), Strengthening the Family from the Perspective of Quran and Hadith, translated by Hamid Reza Sheikhi, Dar al-Hadith, Qom
39. Sadra Research Center, (2011), Soft War and Our Current Situation, Cultural and Social Research Center (Sadra), Third Edition, Tehran.

40. Motahari, Morteza, (1372), Sexual ethics in Islam and the Western world, Sadra, seventh edition, Tehran.
41. Motahari, Morteza, (1369), The issue of hijab, Sadra, 32nd edition, Tehran
42. Mazaheri, Hossein, (1373), Family in Islam, Shafaq, seventh edition, Tehran.
43. Moein, Mohammad, (2007), Moein Culture, third edition, Tehran: Ferdows, third edition, Tehran.
44. Moin al-Islam, Maryam, (2002), The Psychology of Women in Nahj al-Balaghah, Behesht, Qom.
45. Makarem Shirazi, Nasser, (2001), Tafsir Nomoneh, Islamic Library, 16th edition, Qom.
46. Maleki, Hassan, (2003), Family and Religious Education, Association of Parents and Teachers, Tehran.
47. Meybodi, Rashid al-Din, (1357), Tafsir Kashf al-Asrar Udeh Abrar, Amirkabir, Tehran.
48. Mir Khani, Ezzat Sadat, (2001), A New Approach in the Family, Safir Sobh, Tehran.

49 .Navabi Nejad, Shokooh, (2005), Globalization and Change of Values in the Family, Proceedings of the International Congress on Family and Globalization, Tehran: Association of Parents and Educators of the Islamic Republic of Iran

50 .Navabi Nejad, Shokooh, (2005), Marriage and Family Therapy Counseling, Parents and Teachers Association, Fourth Edition, Tehran.

Journals

51 .Ansarian, Zuhair, (2003), "Master Motahhari's solutions in correcting damaged religious attitudes". Resalat newspaper.

52 .Emami, Bahman, (1383), "Contemporary Family", Information Newspaper, Volume 19, Issue 5.

53 .Behpajoo, Ahmad, (2004), "A healthy family is formed under the protection of God and the Qur'an", Golestan Quran Magazine, vol. 68.

54 .Kafi, Hadi, (2006), "Iranian Family, Reflections and Questions", Hoor Magazine, Vol.19.

Site

55 .Information Office of 'The Office of Women's Studies and Research' www.women.org